

مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای با رویکردی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سعید قربانی^۱

یوسف ترابی^۲

فصلنامه (علمی - تخصصی) مطهر، سال شانزدهم، شماره ۵۱، زمستان ۱۳۹۸

چکیده

جوامع اسلامی زمانی در مسیر تمدن سازی حرکت خواهند کرد که با عقلانیت، علم، مدیریت کارآمد و توجه به ارزش‌ها و اصول توحیدی قرآن و سیره پیامبر(ص) و ائمه (ع) گام در مسیر تمدن سازی بگذارند. تعامل تمدن‌ها و تعارض تمدن‌ها پدیده‌ای است که در ادوار مختلف تاریخی مشهود بوده و زمان حال نیز وجود دارد و هر تمدنی که از صلابت عقلانی، علمی و اخلاقی و معنوی بالاتری برخوردار باشد از قدرت و نفوذ و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود. نگارندگان در صدد پاسخ به این سؤال هستند که با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده‌ی تمدن نوین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای کدامند و در روند شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی چه تأثیری دارند؟ فرضیه پژوهش این است که فرهنگ و مؤلفه‌های آن عامل زیربنایی در شکل‌گیری تمدن سازی نوین اسلامی است. در پژوهش حاضر هدف نگارندگان این است که با استناد بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله) مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده‌ی تمدن نوین اسلامی را با توجه بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیل و مطالعات اسنادی موردبررسی قرار دهند. یافته‌ها نشان می‌دهند مؤلفه‌هایی همچون؛ عقلانیت، دین، اخلاق، علم و شاخص‌های پیرامون آن‌ها در فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش اساسی دارند. روش گردآوری مطالب بر اساس رویکرد کتابخانه‌ای و الکترونیکی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، دین، عقلانیت، اخلاق، علم، آیت‌الله خامنه‌ای.

^۱ - دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد و عضو هیئت علمی مرکز اسناد انقلاب

اسلامی (نویسنده مسئول) shahadat10425@gmail.com

^۲ - دانشیار علوم سیاسی دانشگاه انتظامی امین، utorabi14@gmail.com

مقدمه

اساس تشکیل و تجلی هر تمدنی در نظام بین الملل بر اساس مبانی و اصول خاص آن است. براساس نوع نگاه انسان، اجزای شکل‌دهی فرهنگ به وجود می‌آید و با توجه به این نوع نگرش هم اهداف و محورهای فرهنگی شکل می‌گیرد و در اسلام هم به این صورت است، یعنی بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی است که فرهنگ اسلامی شکل می‌گیرد. در نتیجه اهداف فرهنگی با توجه به ارزش‌های اسلامی به وجود می‌آید و در سیر جامعه به کار گرفته می‌شود. در مکتب اسلام، افتراق و انفکاک بین عرصه‌ی دین و سیاست امری غیرمنطقی است، پیامبر(ص) به عنوان معمار بزرگ حکومت اسلامی، به تشکیل حکومت اهتمام ورزید و اولین دولت اسلامی را در مدینه پایه‌گذاری کرد. تکوین هر تمدن در پرتو وجود مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که بدون وجود آن‌ها امکان تحقق تمدن وجود ندارد، در رابطه با اسلام هم وضعیت به این شکل است، یعنی اسلام شاخصه‌هایی را برای تمدن اسلامی بیان کرده است و مردم را برای برقراری این شاخص‌ها برای شکل‌گیری تمدن اسلامی تشویق کرده است و پیامبر اسلام(ص) با توجه به شاخص‌های مطرح‌شده پایه‌های تمدن اسلامی را بنا نهاد. نگارندگان در صدد پاسخ به این سؤال هستند که با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده‌ی تمدن نوین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای کدامند و در روند شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی چه تأثیری دارند؟ ازجمله شاخص‌های اساسی که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی را فراهم کرده و به نوعی خط و مشی تمدن اسلامی را مشخص و تعیین کرده است، بعد فرهنگی بوده است. در پژوهش حاضر نگارندگان تلاش دارند تا با استفاده از مفاهیم و الگوهای مطرح‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، شاخص‌های فرهنگی شکل‌گیری تمدن اسلامی را مورد واکاوی قرار دهند. روند سازماندهی پژوهش به این صورت است که در مرحله‌ی اول مفاهیم کلیدی چون فرهنگ و بیانیه‌ی گام دوم، تمدن و تمدن نوین اسلامی مورد واکاوی و مفهوم‌سازی قرار می‌گیرد و در ادامه با استفاده از پنج مؤلفه‌ای چون علم، عدالت، دین، عقلانیت و اخلاق روند ظهور مؤلفه‌های فرهنگی تمدن نوین اسلامی با استفاده از بیانیه‌ی گام دوم تبیین خواهد شد.

تمهیدات نظری و مفهومی

تمدن

واژه civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت

مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است. یونانیان با استفاده از واژه civilization شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. در فرهنگ فارسی تمدن به معنای «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» می‌باشد. در زبان انگلیسی، امروزه واژه civilization را به این مفهوم اطلاق می‌کنند که آن نیز به معنای استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۹۰-۸۶). به اعتقاد رالف لیتتون، «مقصود از تمدن مجموعه‌ی اعمال و آدابی است که، در هر جامعه، افراد انسان از بزرگ‌تران خود فرامی‌گیرند و به نسل جوان تحویل می‌دهند» (لیتتون، ۱۳۳۷: ۳). علی شریعتی تمدن را مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های فراهم آمده می‌داند که از گذشته یا از دیگران (مادی و معنوی) به وجود آمده و جامعه بشری می‌سازد (شریعتی، ۱۳۷۸: ۱۱).

فرهنگ

فرهنگ به مفهوم عام خود، روش زندگی کردن و اندیشیدن است و حاصل می‌شود از مجموع دانسته‌ها و تجربه‌ها و اعتقادهای یک قوم. استنتاجی است که ملتی در طی قرن‌های متمادی از دریافت‌های خود از زندگی کرده (فوزی و همکار، ۱۳۹۱: ۷). در مبانی اسلامی مهم‌ترین و اصلی‌ترین محور، فرهنگ است؛ به عبارتی فرهنگ زیربناست و ابعاد دیگر روبنای فرهنگ هستند و این فرهنگ و ارزش‌ها و مبانی شکل گرفته از آن است که جامعه را مدیریت و ساماندهی می‌کند. در اندیشه و تفکر مقام معظم رهبری نیز، فرهنگ، حاشیه و ذیل اقتصاد و سیاست نیست، بلکه اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل فرهنگ هستند. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱: ۳۵).

ادوارد تیلور معتقد است: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی از جامعه به دست می‌آورند، می‌باشد» (Tylor, 1958: 1). فرهنگ آکسفورد فرهنگ را «ایستارها، باورها و ارزش‌ها» در نظر می‌گیرد (mclean, 2005: 414). محمدجواد باهنر در رابطه با مفهوم فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ مجموعه برداشت‌ها، اندیشه‌ها، موضع‌گیری‌های فکری، هنر، ادبیات، فلسفه، آداب، سنن، رسوم و روابط حاکم اجتماعی است» (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۵۸). علامه جعفری بیان می‌دارد: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد» (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۰). آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در رابطه با فرهنگ می‌فرماید:

«فرهنگ یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمانهایش؛ این‌ها شکل‌دهنده‌ی مبانی فرهنگی یک کشور است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳/۱۰/۸۳).

تمدن اسلامی

مجموعه هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای از عقاید، باورها، سنن، خلاقیت‌ها، اختراعات، و فنون و علم که به نحوی از انحاء متأثر از اندیشه اسلامی بوده و در جامعه اسلامی و مسلمانان فراهم آمده باشد، تمدن اسلامی نام دارد (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۴۷). هر جامعه‌ای درصدد است که با استفاده از ارزش‌ها و مبانی خودش تمدنی را شکل دهد، تا در جامعه بتواند بر میزان ماندگاری و جاودانگی‌اش بیفزاید. اسلام دین جامع و کاملی است و در نتیجه این دین درصدد است که مبانی‌اش را در جامعه و نظام جهانی پیاده‌سازی کند. تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و مواردی از این قبیل است (اکبری و همکار، ۱۳۹۳: ۹۰). آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با مفهوم تمدن اسلامی می‌فرماید: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

تمدن سازی دینی

تمدن مصدر باب تفاعل از مَدَن و هم‌خانواده با مدینه و مدنیت به معانی «شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی (معین، ۱۳۹۴: ذیل واژه تمدن). لیتون می‌گوید: «تمدن عبارت است از مجموعه‌ی منظمی از کردارهای اکتسابی خاص هر جامعه» (لیتون، ۱۳۳۳: ۳۱). یعنی انسان برحسب سرشتی که دارد و نیز بر اساس استعدادی که در آفرینش او لحاظ شده است هم‌میل و گرایش به مدنیت و بهره‌مندی از تمدن در او وجود دارد و هم زمینه و شرایط برخورداری از تمدن (شریعتی تبار، ۱۳۹۴: ۴). تمدن از دو عامل اساسی به وجود می‌آید: زمین و انسان، این پدیده‌ی تاریخی محصول توان انسان در غلبه بر نیروهای طبیعی است که حاصل شناسایی قوانین حاکم بر آن از مسیر علم و دانش از یک‌سو و امکان کنترل و تصرف نیروی طبیعت به

نفع خواسته‌های بشر به وسیله‌ی تکنولوژی از سوی دیگر است. این غلبه هم شامل غلبه بر تأثیرات نیروهای طبیعی در شکل‌گیری بعد مادی زندگی انسان می‌شود و هم غلبه بر ضعف انسان در تأثیرپذیری روحی و نفسانی از غلبه‌ی شرایط محیطی را دربرمی‌گیرد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۵). تکامل و تمدن قرآنی، اصالتاً به ابعاد روحانی و معنوی وجود بشر مربوط است و ضرورتاً صرفاً با توسعه‌ی مادی همراه نیست. بنابراین آنچه در توسعه و تمدن مادی، شاخص‌های تعالی و تکامل پنداشته می‌شود، در نظام اعتقادی دینی، در معنایی دیگر و در جهت‌گیری خاصی پذیرفته و ارزش‌گذاری می‌شود. در واقع، لذت‌جویی‌های تمدن مادی، که معلول رفاه ناشی از کنترل و تصرف جهان مادی است، در تمدن دینی اصالت خود را از دست می‌دهند و در چارچوب محدودیت‌های اخلاقی و دینی، تعدیل و جهت‌دهی می‌شوند (نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

تمدن اسلامی با بعثت رسول خدا (ص) و هجرت او به مدینه شکل گرفت. مسلمانان با اتکا بر آموزه‌های قرآن و سفارش‌های پیامبر (ص) و ائمه (ع) آن را تا قرن پنجم هجری به اوج رساندند. با حملات صلیبیان، مغولان و سقوط اندلس و مشکلات داخلی جهان اسلام، تمدن اسلامی دچار انحطاط شد؛ ولی در عهد صفویان، عثمانی‌ها و گورکانیان هند، مجدداً رونق گرفت. در قرن نوزدهم، استعمارگران به مسلمانان حمله کردند و دوباره تمدن اسلامی دچار رکود گردید. متفکران اسلامی در ایران، مصر و سایر کشورها برای مقابله با تمدن غرب، بازگشت به اسلام راستین را مطرح کردند. بیداری اسلامی در ایران از عصر قاجاریه شروع و با پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ به اوج رسید و باعث بیداری در جهان عرب گردید (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۸۶).

تحقق شعارها و آرمان‌های دینی در گرو ایجاد تمدن اسلامی است و این تمدن نیز به نوبه خود مبتنی بر فراگیری و جامعیت دین بر روابط فردی و اجتماعی است. حسن حنفی یکی از دانشمندان اسلامی معاصر در مورد تمدن اسلامی می‌گوید: «تمدن اسلامی همه آثاری را که مسلمانان در زمینه‌های علوم نقلی مانند قرآن، حدیث، تفسیر، سیره و فقه و علوم عقلی مانند حساب، هندسه، نجوم و موسیقی و علوم نقلی مانند اصول دین، اصول فقه، فقه و عرفان، تألیف کرده‌اند، شامل می‌شود. این علوم متن تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند» (حنفی، ۱۳۷۹: ۲۵). برای شکل‌گیری هر تمدنی و یا هر حکومتی نیاز به شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی است. تا زمانی که این شاخص‌ها به صورت منسجم باهم در یک کالبد جمع نشود، نمی‌توان انتظار شکل‌گیری یک تمدن را داشت. در رابطه با اسلام هم وضعیت به این شکل است، یعنی اسلام شاخص‌هایی را برای شکل‌گیری تمدن بیان کرده است و مردم را برای برقراری این شاخص‌ها جهت شکل‌گیری تمدن اسلامی تشویق کرده است و پیامبر اسلام (ص) با توجه به شاخص‌های

مطرح شده در اسلام درصدد برآمد که تمدن اسلامی را شکل دهد و این اتفاق حاصل گردید و تمدن اسلامی با محوریت شاخص‌های اسلامی در عربستان شکل گرفت و سپس بعد از پیامبر این تمدن سازی ادامه پیدا کرد و هر جا که مسلمانان به امور و شاخص‌های اصلی که به عنوان آرمان‌های اسلامی هستند عمل کردند و پایبند بودند تمدن اسلامی در اوج بوده و هر جا که از این شاخص‌ها کناره‌گیری شده جوامع اسلامی در مسیر انحطاط قرار گرفته‌اند، از جمله شاخص‌های اساسی که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی را فراهم کرده و به نوعی خط و مشی تمدن اسلامی را مشخص و تعیین کرده است، بعد فرهنگی بوده است، یعنی فرهنگ مشخص می‌کرد که از لحاظ نظامی به چه نحوی باید اقدام کرد و در بعد سیاسی باید به چه اقداماتی دست زد و بعد اقتصادی باید دارای چه شرایطی باشد. در اسلام فرهنگ زیربناست و ابعاد دیگر بر اساس بعد فرهنگی سازمان‌دهی می‌شوند. پژوهش حاضر نیز بر اساس بعد فرهنگی با استناد بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سازمان‌دهی شده است.

بیانیه گام دوم: ضرورت و اهمیت

بعد از گذشت چل سالگی انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری بیانیه‌ای را به عنوان چشم‌انداز جمهوری اسلامی جهت ادامه‌ی حیات نظام دینی بیان فرمودند که به بیانیه گام دوم معروف است. در بیانیه گام دوم به مسائل و موضوعات مختلفی چون عدالت محوری، جوان‌گرایی، توجه به معنویت و دین، توجه به طبقه‌ی محروم و محرومیت‌زدایی از جامعه، سبک زندگی اسلامی، دوری از استکبار و امثال آن توجه شده است. مقام معظم رهبری در مورد بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ایشان به جهانی بودن شعارهای انقلاب اسلامی اشاره کرده و فرمودند: «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ‌مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها

هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش‌آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آن‌ها و کوشش برای تحقّق آن‌ها» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

پیشینه پژوهش

در رابطه با بعد فرهنگی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به‌صورت پراکنده در ابعاد مختلف آن تحقیق و بررسی صورت گرفته است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌گردد: ملایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان (جایگاه و کارکردهای آموزه‌ی مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، از دیدگاه امام خامنه‌ای) شاخص‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی را از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله) موردبررسی قرار داده و به مواردی به‌صورت کلی اشاره کرده است و بعد به نقش مهدویت و انتظار در فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی اشاره کرده است، ولی باز هم در مقاله‌ی حاضر جای کار هست و نویسنده می‌توانست به‌صورت متمرکزتر و حتی موردی‌تر مباحث را مطرح کرده و تجزیه و تحلیل کند. اسماعیلی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان (فرهنگ، مؤلفه‌ها و شاخص‌سازی فرهنگی) به مؤلفه‌های فرهنگی پرداخته و مواردی از شاخص‌های فرهنگی را ذکر کرده است و تحلیلی از هریک از این شاخص‌ها ارائه داده است، و این مقاله بیشتر حالت گوشزد کردن است که موانعی هستند که شاخص‌های فرهنگی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و البته در این مقاله هنوز جای کار زیاد است و نویسنده می‌توانست بهتر از این‌ها به بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بپردازد. سلیمی و صالحی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان (الگوی مطلوب از شاخص‌های سنجش امور فرهنگی در رسانه ملی) در مرحله‌ی اول تعریفی از فرهنگ را ارائه داده است و بعد فرهنگ اسلامی را توضیح داده و بعد به شاخص‌هایی از فرهنگ در رسانه اشاره کرده است و نقطه‌ی تمرکز آن همان‌طور که خود موضوع هم به آن اشاره کرده است، بحث شاخص‌های سنجش امور فرهنگی در رسانه است، مطالبی که نویسنده مطرح کرده نشان از عمق مقاله‌ی حاضر است، ولی نویسنده در اینجا می‌توانست به بیانات رهبری هم به‌عنوان مصداق اشاره کند. متانت پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان (بررسی شاخص‌های سیره سیاسی و اخلاقی پیامبر اکرم (ص) شاخص‌های سیاسی که در سیره و اخلاق پیامبر حاصل شده است را موردپژوهش قرار داده

است، البته مواردی که نویسنده به آن‌ها اشاره کرده محدود است و شاخص‌های سیاسی خیلی گسترده‌تر از این‌هاست، نویسنده مواردی را که مطرح کرده و به‌صورت مبسوط بررسی کرده و خواننده را در کم و کیف آن‌ها قرار داده است. نوایی (۱۳۸۱) در کتابی تحت عنوان (نظریه‌ی دولت دینی) به اسلام و مبانی و ارزش‌های آن پرداخته و در داخل این ارزش‌ها شاخص‌هایی را هم مطرح کرده است، ولی در حقیقت هدف اصلی نویسنده بررسی نظریه‌ی دولت دینی است. سردار نیا (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان (شاخص‌ها و نسبت مشروعیت مردمی و دینی حکومت در نهج‌البلاغه) به بحث مشروعیت و نسبت بین مردم و حکومت دینی می‌پردازد و در این پژوهش نگارنده نقطه‌ی تمرکز بحث خود را نهج‌البلاغه قرار داده است و با تمرکز به این سند مشروعیت مردمی و دینی حکومت را بررسی کرده است، این یکی از شاخص‌هایی است که نویسنده در پژوهش خود سعی خواهد کرد که مورد استفاده قرار دهد، به عبارت دیگر در طرح پژوهشی حاضر نویسنده شاخص‌های فرهنگی از منظر رهبری را مورد بررسی قرار خواهد داد، که این شاخه به عنوان یکی از محورهای پژوهشی خواهد بود. بهمنی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان (تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای؛ چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران) به تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری پرداخته و تکامل جمهوری اسلامی ایران را با استفاده از این رویکرد با استناد به بیانات رهبری بررسی کرده است، ولی به شاخص‌های تمدن نوین اسلامی به صورت منسجم و موردی اشاره‌ای نکرده و صرفاً یک کلیتی از بحث را مطرح کرده و همان‌طور که خود نویسنده در موضوع هم مطرح کرده بیشتر به چیستی و تکامل جمهوری اسلامی پرداخته است. سیاهپوش و همکارش (۱۳۹۰) در کتابی تحت عنوان (فرهنگ در منظر مقام رهبری) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی را در مورد فرهنگ و شاخص‌های آن مطرح کرده است و نقش پایدار و تعیین‌کننده فرهنگ در امور و ابعاد مختلف جامعه را بررسی کرده است، ولی این پژوهش به صورت جمع‌آوری صرف بیانات رهبری است. ترابی و رضایی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان (فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی) مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده و تأثیرگذار بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده است و در این زمینه به نتایج قابل توجهی هم دست یافته است، این دست‌یافته‌های مقاله در پژوهش حاضر نیز قابلیت استفاده دارد و به نوعی در جهت‌دهی این پژوهش نیز تأثیر قابل توجهی دارد. ولی در پژوهش حاضر نویسنده سعی بر این خواهد داشت، که در رابطه با شاخص‌های فرهنگی که مطرح است بیشتر بر بیانات رهبری تمرکز داشته باشد و مورد دیگر این که نویسنده سعی خواهد داشت که موارد گسترده‌ای از شاخص‌ها را به صورت مبسوط با مبانی نظری تمدن سازی دینی مورد بررسی قرار دهد. منتظر القائم (۱۳۹۱) در کتابی تحت

عنوان (تمدن سازی نبوی و علوی) به اسلام و مبنای تمدن سازی آن پرداخته و در این کتاب ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... را بر اساس محوریت اسلامی مورد پژوهش قرار داده و آرمان‌هایی را در آن مطرح کرده است که برای شکل‌گیری تمدن اسلامی لازم و ضروری است. در پژوهش حاضر نویسنده درصدد است که تمدن سازی نبوی علوی به‌کاررفته در این کتاب را به‌عنوان مبنای نظری خود برگزیند و شاخص‌های فرهنگی تمدن اسلامی را با استناد به این مبنای نظری با استناد به بیانات رهبری مورد پژوهش قرار دهد.

درمجموع ادبیات پژوهشی که در این بخش به آن‌ها اشاره شد، هرکدام به‌نوعی دربرگیرنده‌ی قسمتی از پژوهشی است که قرار است انجام شود و هرکدام شاخص‌هایی را چه در بعد فرهنگی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد بررسی قرار داده‌اند، ولی به‌صورت منسجم و یکجا به شاخص‌ها توجهی نشده است و در بیشتر آن‌ها به شاخص‌ها توجه شده است، لکن نه از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله)، در پژوهش حاضر هدف نویسنده این است که در مرحله‌ی اول آسیب‌های فرهنگی در قبال شکل‌گیری تمدن اسلامی را بررسی کند. در مرحله‌ی بعدی به راهکارهای صیانت از این آسیب‌ها با تمرکز رهبری بپردازد و سرانجام شاخص‌های فرهنگی را که به‌نوعی در فرآیند شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش داشته‌اند را با استفاده از روش استنادی و با توجه به مفهوم تمدن سازی دینی و با تمرکز بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) مورد بررسی قرار دهد.

مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده‌ی تمدن نوین اسلامی

از دیدگاه رهبر انقلاب تمدن غربی فقط جنبه ابزاری و سخت‌افزاری دارد، بنابراین انسان نیاز به تمدنی دارد که در سایه آن همه نیازهای مادی و معنوی او برآورده شود و این تمدن چیزی جز تمدن اسلامی نیست. بنابراین احیای تمدن اسلامی ضرورت می‌یابد. ایشان در سخنرانی‌های خود راهکارهایی را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ارائه داده‌اند که پرداختن به آن‌ها می‌تواند در احیای تمدن اسلامی راه گشا باشد (موسوی و همکار، ۱۳۹۴: ۳). در ادامه به بررسی دیدگاه‌های رهبری در زمینه مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده‌ی تمدن نوین اسلامی با گریزی بر بیانیه گام دوم خواهیم پرداخت.

عقلانیت و شاخص‌های آن

از دیگر بنیان‌های اندیشه‌ی سیاسی در اسلام، خرد و خردگرایی، عقلانیت محوری و باور به تعقل صحیح است. از منظر اسلام، وجود عقل از هر چیز دیگر برای انسان بهتر و ارزشمندتر است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۴۷). عقلانیت و خردگرایی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در فرآیند تمدن سازی قلمداد می‌گردد. در

حقیقت خردگرایی جزء لاینفک تحقق تمدن کمال یافته، در برابر تمدن دیکتاتوری است (شجاعی، ۱۳۹۴: ۳۹۴).

از منظر اسلام عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به سوی خدا سوق می دهد و بندگی او را به ارمغان می آورد. عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره مندی از قوه عاقله در جهت گرایش های عالی انسانی و الهی تعقل کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می دهد (زنگویی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۲). عقلانیت هنجاری یا اخلاقی به معنای آن است که برای تحقق ارزش های مقدس نباید از ابزارهای نامشروع بهره گرفت؛ زیرا که در اسلام «هدف وسیله را توجیه نمی کند». عقلانیت ابزاری بر اساس محاسبات مادی برای کسب سعادت و ارتقای قدرت نرم از طریق روشی خردمندانه تر و قابل توجیه تر شکل می گیرد. این نوع عقلانیت تحت دو نوع دیگر عقلانیت یعنی معرفت شناختی و هنجاری قرار می گیرد. از این روست که تمدن نوین اسلامی بر انطباق و سازواری سه سطح معرفت شناختی، اخلاقی و ابزاری تأکید می ورزد (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۸). مقام معظم رهبری در مورد عقلانیت به عنوان یکی از مؤلفه های ظهور تمدن نوین اسلامی فرمودند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه کاری، مسامحه و تساهل نیست» (بیانات مقام معظم رهبری در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹). عقلانیت به عنوان یکی از محورهای اساسی سازنده تمدن نوین اسلامی در درون خود شامل شاخص هایی است که مورد بررسی قرار خواهد گرفت که شامل موارد ذیل هست:

خودباوری و اتکای به خود و اجتناب از تقلید صرف

لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تقلید از تمدن های غربی است. تحمیل روش های زندگی و سیر و سلوک زندگی از سوی غرب به ملتها و تمدن های مختلف و الزام آنها به تقلید از این شیوه ها، نه تنها کمکی به پیشرفت ملتها نداشته است بلکه ضرر و فاجعه هایی را نیز برای آنها به همراه داشته است. به طوری که هویت ملی خود را ازدست داده و این تقلید و انحراف به فرموده رهبری انقلاب، علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت را به همراه داشته است (خاری آرانی و همکار، ۱۳۹۴: ۷۵). راه کار این است باید به تعامل انتقادی با غرب برآمد، یعنی نکات مثبتی که در مبانی

فکری غرب وجود دارد را اقتباس کرد و در مقابل مبانی فکری غرب ایستادگی کرد؛ برای مثال توسعه و پیشرفت در غرب حاصل گردیده است و تکنولوژی پیشرفت کرده است، باید علم تکنولوژی را از غرب گرفت، ولی از ورود فرهنگ غربی جلوگیری کرد، روشنفکران غربزده چنین تفکری نداشتند و اقتباس همه‌ی محورها و همه‌ی داشته‌های غرب را در نظر داشتند و این با مبانی فکری اسلام و مسلمان هم‌خوانی ندارد؛ چون مبانی فکری غرب و اسلام قابلیت اجتماع در یک ظرف را ندارند. پس راهکار این است که باید تعامل بین ایران و غرب صورت بگیرد و این تعامل باید دوطرفه باشد؛ یعنی به این نحو نباشد که غرب هرچه دارد بر جوامع جهان سوم صادر کند و جهان سوم فقط مقلد صرف باشند، به‌هیچ‌وجه این روند درست نیست، چون جوامع اسلامی را از مبانی اصیل اسلامی دور خواهد کرد؛ چون یکی از اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین خواسته‌های غرب این است که اسلام و مبانی اسلامی را در جهان اسلام استحاله کند و یکی از روزه‌ها برای دستیابی به این هدف تقلید صرف جوامع اسلامی از جهان غرب است؛ به دلیل این که وقتی رابطه‌ی بین غرب و جهان اسلام در حد تقلید صرف شد، غرب در مبانی فکری و عملی جوامع مسلمان نیز نفوذ خواهد کرد و سعی بر این خواهد داشت که اسلامی را که مدنظر مبانی فکری خودش است برای مسلمانان تعریف کند و حاصل چنین اسلامی، اسلام آمریکایی خواهد بود، اسلامی که در آن حرفی از جهاد و مبارزه با ظلم و مبارزه با استکبار دیگر معنایی ندارد و اسلام خلاصه می‌شود در نماز و روزه، همان اسلامی که در برخی کشورهای منطقه شاهدان هستیم. پس جوامع اسلامی باید در قبال جهان غرب حالت تبادلی داشته باشند، تا آنچه با مبانی اسلامی و ارزش‌های قرآنی هم‌خوانی دارد موردپذیرش قرار گیرد و آنچه برخلاف مبانی ارزشی اسلام است نفی گردد. راه پیشرفت جوامع اسلامی در این است که مقلد صرف از غرب نباشند، بلکه خودشان همت و تلاش کنند برای رسیدن به قله‌های توسعه و پیشرفت، آیت‌الله خامنه‌ای ملت‌هایی که مکتب خودشان را انتخاب می‌کنند و مسیر تمدن‌سازی را بر اساس مبانی فکری خود تعریف می‌کنند، می‌فرماید:

«برخلاف این کشورهای مقلد، ملت‌هایی که در مقابل تمدن غرب، مکتب توحید را انتخاب می‌کنند هم به پیشرفت حقیقی و همه‌جانبه دست می‌یابند و هم تمدنی عمیق و ریشه‌دار می‌سازند که فکر و فرهنگ آنها را در جهان گسترش می‌دهد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

تاریخ گواهی دهنده‌ی آن است که جوامع غربی به‌هیچ‌وجه به دنبال پیشرفت و توسعه‌ی جوامع اسلامی نبوده‌اند و اندیشه‌ی آنها و آرمان آنها از آمدن به منطقه‌ی خاورمیانه و جهان اسلام، صرفاً استثمار بوده است و این هدف روزه‌اش با ضربه به اسلام و مبانی اسلامی حاصل می‌شد. برای مثال اسلام مسلمانان

را دعوت می‌کند که به ریسمان الهی چنگ بزنند و در مقابل نظام استکباری باهم وحدت داشته باشند، ولی نظام استکباری همیشه سعی بر این داشته است که میان مسلمانان اختلاف ایجاد کند، تا به خواسته‌های خود دست یابد، شعار انگلستان، تفرقه بینداز و حکومت کن است، یعنی دقیقاً در مقابل مبانی فکری اسلام و مسلمانان قرار دارد که کارساز هم بوده است. در تقلید از چنین مکتبی که کارش و ذهن و فکرش فقط استثمار ضعیف است، باید تأمل کرد و نباید در مبانی فکری به تقلید از آن پرداخت. کشورهای در جهان اسلام موفق به تمدن سازی شده‌اند و یا موفق به توسعه و پیشرفت شده‌اند که به تقلید صرف از غرب و مبانی غربی نپرداخته‌اند و در مسیر تمدن سازی به داشته‌ها و مبانی فکری و ارزشی خودبسته کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با نهادهای جدید کردن جامعه بر اساس ارزش‌های الهی، بدون وابستگی و تقلید از مبانی فکری غرب می‌فرمایند:

«خواست عمومی ملت‌هایتان بازگشت به اسلام است؛ که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست. اگر انقلابها باذن‌الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلابها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است. در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورها را در کوتاه‌ترین زمانها ان‌شاءالله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ای مردم‌سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید... تقید خویش به شریعت مرقی اسلام را حفظ کنید، بی‌آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی‌آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی‌آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی‌آنکه سکولاریزه و محافظه‌کار شوید» (متن کامل خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

مسیر و چاره‌ی اصلی برای رسیدن به تمدن دینی و پیشرفت و توسعه و دوری از ذلت، مسیر اسلام و ارزش‌های الهی است و هر مسیری غیراز آن عاقبتی جز ذلت و تباهی در پی نخواهد داشت.

در تمدن اسلامی یکی از مبانی جهت نیل به آن خودباوری و اعتقاد به مبانی و اصول و ارزش‌هاست. لذا در بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری یکی از اصول در انقلاب اسلامی را اعتقاد به خود و باور به عبارت ما می‌توانیم می‌داند: «به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه به‌درستی دیده می‌شود که این مدت، با مدتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر

شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریتهای جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

پرهیز از اندیشه‌های التقاطی و توسل بر اندیشه‌های اسلامی

از راه‌کارهای فرهنگی دیگری که فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌کند، اجتناب از جریان‌های التقاطی است، منظور از اندیشه‌های التقاطی یا ترکیبی، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که از نظر ایدئولوژی، ریشه در دو یا چند مکتب دارند. این اندیشه‌ها در ایران از نظر ایدئولوژی، ترکیبی از اسلام و مکاتب وارداتی غربی یا شرقی هستند؛ وجه اشتراک تشکلهای التقاطی، شناخت سطحی از اسلام و عدم شناخت نظام جامع اسلامی هست و به خاطر ضعف در مبانی اعتقادی به دام ایدئولوژی غربی یا شرقی افتاده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۸۲). از اساسی‌ترین کارکردهای فرهنگی این است که جامعه به وسیله‌ی نخبگان فکری از این التقاط فارغ شود و صرفاً مبانی اسلامی باشد که در جامعه حاکم گردد. هر جریانی غیر از اسلام اگر بر جوامع اسلامی حاکم شود و مبانی خودش را به خاطر مشروعیت با اسلام مخلوط و ترکیب کند، در آن جامعه باید دنبال اختلافات بود و در آن جامعه نباید به دنبال شکل‌گیری تمدن سازی نوین بود، چون تمدن سازی نوین اسلامی در جامعه‌ای شکل می‌گیرد که مبانی و ارزش‌های درونی آن فقط اسلام باشد. در صورت ورود اندیشه‌ها و مبانی فکری دیگر، تمدنی که شکل خواهد گرفت اسلامی نخواهد بود، بلکه ترکیبی از اسلام با یکی از مبانی مسلط دنیا خواهد بود و این نوع تمدن چون بر اساس مبانی ناب اسلامی شکل نگرفته، با تمدن اسلامی که هدف مقام معظم رهبری است، کاملاً متفاوت خواهد بود. ایشان اعتقاد دارند؛

«نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند. اردوگاه شرق چپ فروریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آنها و به سود جریان اسلام است. هدف نهائی را باید امت واحده‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه‌ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرارداد» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین اجلاس بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

با تأمل در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای برای شکل‌گیری تمدن اسلامی، باید بر اساس محورها و ارزش‌های اسلامی عمل کرد و از مبانی فکری شرق و غرب و مبانی التقاطی اجتناب کرد، اگر به این نحو عمل

شود، یعنی جامعه بر اساس ارزش‌های اسلامی پیش برود و ارزش‌های غربی و شرقی را بر خود مسلط نکند، اینجاست که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم می‌گردد.

آیت‌الله خامنه‌ای شعارهای انقلاب اسلامی منبعث از مبانی و ارزش‌های اسلامی را فارغ از تاریخ‌مصرف دانسته و از نگاه ایشان ارزش‌های انقلاب اسلامی دائمی است: «شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک‌به‌یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش‌آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

آنچه از بیانات رهبری مشهود است این که باتوجه بر بیانیه گام دوم یکی از روندها جهت ظهور و تجلی تمدن نوین اسلامی فارغ شدن از مبانی بیگانه و ترسیم چهره‌ی اصلی اسلام ناب محمدی در جامعه است.

بسیج‌گری ارزشمدارانه

به گواه مستندات تاریخی نقش توده‌های مردم، از اصناف، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی در پایه‌ریزی، تداوم و شکوفایی تمدن‌های شناخته‌شده بشری غیرقابل‌انکار است. در حقیقت، میزان حضور و بسیج مردم در عرصه‌های گوناگون کار و تلاش، از عناصر اصلی شکل‌گیری یک تمدن به شمار می‌رود. بنابراین یکی از ویژگی‌های بارز فرهنگ‌های مولد و تمدن ساز، توان بسیج توده‌های مردمی در جهت آرمان مشترک و به‌کارگیری آن‌ها در ساختن نظم نوین اجتماعی است. فرهنگ‌های پیشرو به همان میزان که در بسیج مردم و کشاندن آن‌ها به صحنه‌ی تولید، موفق عمل می‌کنند، در تمدن سازی نیز موفق خواهند بود و لذا ظهور یک تمدن نوپا، در ارتباط مستقیم با قدرت بسیج‌گری فرهنگ زیربنایی جامعه قرار دارد (شجاعی، ۱۳۹۴: ۳۷۶). آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«بسیجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم، باید بگوییم پیشرو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵).

برای شکل‌گیری و پایداری تمدن اسلامی شکل‌گرفته، وجود رکنی چون بسیج لازم و الزامی است. بسیجی که در آن تقوا و ایمان باشد و اعمال صورت گرفته بر اساس ایمان به خدا و تقوای الهی باشد، برای جامعه‌ی در انتظار تمدن ضروری است. قرار است تمدنی در جامعه شکل گیرد که مبانی‌اش اسلامی باشد، چه در تئوری و چه در عمل آنچه قرار است بر جامعه اعمال حاکمیت کند، ارزش‌ها و اصول اسلامی است. بسیج یکی از محورهای گسترش‌دهنده‌ی مبانی ارزشی در جامعه است؛ به همین دلیل در جامعه‌ای که رویکردش ارزشی است، وجود ارزشی چون بسیج الزامی است.

جامع محوری در قالب زیربنای فرهنگ

تمدن‌های مختلف دیدگاه‌های متفاوتی به حیات مادی و معنوی انسان دارند. بعضی از تمدن‌ها، همچون تمدن مدرن غرب، تک‌بعدی بوده و بر زندگی مادی تأکید و تمرکز می‌کند. برخی دیگر از تمدن‌ها نیز تک‌ساختی بوده و حیات و بعد معنوی و روحانی انسان را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند. تمدن اسلامی برخلاف این دو نوع تمدن، به هر دو بعد مادی و معنوی بشر و حیات انسانی می‌پردازد. از این رو، تمدن اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی چندبعدی و چندوجهی است که در پی تعقیب و تحقق کلیه ابعاد وجودی انسان معاصر و نیازهای مادی و معنوی او است (اصغری، ۱۳۹۰: ۴۷۴). آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند:

«آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد. در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده‌ی مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم» (بیانات مقام رهبری در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

تمدن اسلامی تمدنی جامع‌نگر است؛ یعنی به دنبال این است که مسائل مادی و معنوی را باهم و به صورت یکپارچه در جامعه به کار گیرد؛ به عبارتی حرکت تمدن اسلامی تک‌بعدی نیست، بلکه نگاهی مادی محور و معنویت محور است. البته مادیت در تمدن اسلامی در قالب معنویت و ارزش‌های اسلامی قرار می‌گیرد؛ به عبارتی، اسلام نسبت به تمدن سازی نگاه تک‌بعدی ندارد و نگاهش دویبعدی است؛ ولی منظور از دویبعدی این نیست که دو محور جدا و منفک از هم، بلکه دو بعد معنوی و مادی که معنویت زیربناست و مادیت در روینای آن قرار دارد.

علم و شاخص‌های آن

پیامبر(ص) مردم را به کسب دانش و طلب آگاهی فرامی خواند و این کار را محترم می شمرد. قرآن مکرراً به برتری اهل علم و درجات آنها اشاره نموده است(اشکوری و همکار، ۱۳۹۴: ۱۰). تحقق تمدن چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی بدون باور به دانش و معرفت و عمل بدان ناممکن است. این است که علم گروهی و دانش محوری جایگاه مهمی را در اسلام به خود اختصاص داده است(جمشیدی، ۱۳۹۴: ۵۷). در اندیشه رهبری یکی از محورهای مؤلفه های اساسی برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی توسل به علم است، آن هم علمی که استنباط شده از منابع وحی باشد(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای اتحادیه های انجمن های اسلامی دانش آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۹) از منظر ایشان در بیانیه گام دوم، ارزش علم منوط به معنویت است. علمی ارزشمند و سعادت آور است که در مسیر معنویت باشد. «ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هرگونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش های پیچیده علمی توانست موفقیت های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم ترین خسارت ها گردید.»(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰). برای مؤلفه های علم در شکل گیری تمدن نوین اسلامی شاخص هایی قابلیت بررسی دارد که شامل موارد زیر است:

علم نافع

در دین اسلام بر کسب معرفت و آگاهی یا دانش اندوزی و ژرف نگری در زندگی تأکید شده است. با نگاهی بر منابع تفکر اسلامی، یعنی قرآن کریم و احادیث پیامبر و معصومین(ع) می توان دریافت که خداوند و اولیای او، پیوسته نیز همگان را بر خردمندی و به کارگیری عقل دعوت می کند؛ تا آنجا که خداوند، توحید یعنی بنیان ایمان را حال تعقل و علم ورزی می داند(ولایتی، ۱۳۸۸: ۵۳). از مهم ترین عناصری که بستر مناسبی برای پیشروی جامعه ایجاد می کند، علم آموزی و کسب دانش است. اسلام که دینی بالنده است، با فراخوان جوامع بشری به توسعه نظام معرفتی، از همگان می خواهد تا با کسب علم و دانش بر چهل فائق آیند. اسلام ضمن تأکید وافر بر ضرورت علم آموزی و عمل به آن، عقلانیت مبتنی بر علم را ستایش می کند و فعالانه آنها را در سرنوشت تمدنی بشر دخیل می داند(کمالی اردکانی، ۱۳۸۸: ۲۰). مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی علم و دانش و نقش آن در پیشرفت جوامع را اساسی دانسته و دلیل تسلط نظام غربی بر جوامع دیگر و عقب ماندگی جوامع را علم دانسته اند: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود

تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

مقام معظم رهبری در بیانیه گام انقلاب اسلامی پیشرفت مقوله‌ی تمدن ساز علم را باعث حیرت جهانیان دانسته، ولی دی عین حال به تلاش و مجاهدت بیشتر در وادی تحولات علمی تأکید کرده‌اند: «من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست‌یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

رهبری در رابطه با مقوله دین و تمدن می‌فرماید:

«چراغ راه تحقق تمدن اسلامی مجاهده علمی است. روش تولید علم از نظر ایشان، اجتهاد به معنی مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت است که تولید علم در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی خواهد بود» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی دانش آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

مهم‌ترین رکن پیشرفت یک جامعه علم و دانش است، لکن علم و دانشی که در درون آن انسانیت و ایمان نهفته باشد. اگر علم تابع ایمان باشد، محصول چنین علمی خدمت به جوامع انسانی خواهد بود. ولی وقتی علمی صرف باشد و در ذات آن ایمان نباشد، صرف پیشرفت حاصل می‌شود که در درون آن انواع بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌ها نهفته است. پس دانش و علم پیش برنده و رشد دهنده‌ی یک جامعه است، ولی برای این که در مسیر درست و تعالی به کار گرفته شود، نیاز به قالب و ظرف سازمان دهنده دارد، آن قالب ایمان است. که در بیانیه‌ی گام دوم نیز چنین تفکری سایه انداخته است.

پیشرفت همه‌جانبه اسلامی

تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه‌جانبه است که اشاره دارد به هر دو بعد مادی و معنوی انسان توجه شود و دنیا و آخرت باهم در نظر گرفته شود (اشکوری و همکار، ۱۳۹۴: ۷). از آنجاکه تمدن نوین اسلام به معنای پیشرفت همه‌جانبه است، بنابراین باید در عرصه‌های مختلف پیشرفت صورت بگیرد تا

هر چه زودتر به مقصد برسیم (همان: ۱۶). رهبری نشانه زنده بودن یک ملت را پیشرفت در همه‌ی جنبه‌ها دانستند و فرمودند: «این ملت، یک ملت زنده است. نشانه‌ی زنده بودن هم پیشرفت کردن در میدانهای مختلف است» (بیانات رهبری، ۸۵/۹/۲۲). تأکید ایشان بر عنصر پیشرفت همه‌جانبه به عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی درواقع به معنای تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بنابراین، جامعه‌ای پیشرفته است که تمامی ابعاد موجود در آن از فرهنگ و اقتصاد و سیاست و اجتماع به صورت یکسان رویه سوی تعالی باشند، نه این که سیاست پیشرفت کند و اقتصاد ضعیف باشد و یا اقتصاد پیشرفت کند و فرهنگ جامعه در جایگاه انحطاط باشد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اراده‌ی عمومی و نقش جوانان در پیشرفت همه‌جانبه را اساسی دانسته و در این باره فرمودند: «انقلاب اسلامی عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

با عنایت به بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی، ادامه‌ی این روند باعث ظهور و تجلی تمدن نوین اسلامی خواهد بود. بنا بر دیدگاه مقام معظم رهبر نقش اراده‌ی عمومی و علی‌الخصوص در شکل‌گیری پایه‌های تمدن نوین اسلامی کلیدی است.

رهبری عالمانه مبتنی بر ارزش‌ها

بسیج توده‌های مختلف مردم، نقش بارزی در فرآیند تمدن سازی بر عهده دارد. اما این حضور تنها در صورتی می‌تواند در بهروزی و بهزیستی اجتماعی یک ملت مؤثر واقع شود، که در مسیر مطلوب هدایت و مدیریت گردد. با این وصف، یکی دیگر از عناصر اصلی تمدن ساز، رهبری عالمانه در جنبش اجتماعی ملت است. اگر یک ملت در پیشاپیش خود شاهد رهبری عالمانه نخبگان خود بود، می‌تواند ظرفیت خویش را در ساختن جامعه‌ای آباد بسیج نماید، در غیر این صورت و با فقدان عنصر رهبری عالمانه، کارآمدی بسیج مردمی به‌طور قطع کم‌رنگ خواهد شد (شجاعی، ۱۳۹۴: ۳۸۰). آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) بارها به نقش رهبری امام خمینی (ره) در فرآیند شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی و

جلوگیری از آسیب دیدگی این انقلاب اشاره کرده‌اند و امام را محور این انقلاب دانسته‌اند و در بیاناتی فرمودند که انقلاب اسلامی بدون نام امام خمینی (ره) درجایی شناخته شده نیست. به عبارتی رهبری عالمانه ایشان بود که انقلاب را به پیروزی رساند و جمهوری اسلامی را در برابر ناملایمات داخلی و خارجی حفظ کرد.

شاخص‌های دینی در تمدن نوین اسلامی

از بنیادهای تمدن نوین اسلامی اعتقاد به اسلام به عنوان پایه‌گذار تمدن اسلامی و تعیین کننده ریشه‌ها و اصول آن است. دین بنیاد بودن تمدن نوین اسلامی به این معناست که توحید مداری و تأکید بر اصول اعتقادی مشترک و باور به وی به عنوان منبع اولیه دانش، موتور محرک همگرایی بین جوامع اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی به شمار می‌آید. تمدن نوین اسلامی با برخورداری از نگرشی جامع به چالش‌های جهانی در تلاش برای ایجاد تمدنی جهانی بر اساس درکی متوازن از نقش دین در روابط بین‌الملل است که از هرگونه افراط و تفریط به دور باشد (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۵). امروزه تمدن نوین اسلامی در صورتی فعلیت می‌یابد که دانشمندان افزون بر علم و دانایی، به دین و ایمان مذهبی به عنوان دو بال تمدن اسلامی متکی بوده و مسلمانان اندیشمند، تلفیق میام علم و وحی را کشف کنند (دوانی و همکار، ۱۳۹۴: ۲۱۹). به لحاظ تاریخی تمدن اسلامی یکی از تمدن‌های بزرگ بشری حاصل مبانی دین اسلام و باور به آن‌ها بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۶). شهید مطهری می‌فرماید: «ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدنی عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند.» (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۱۴: ۱۹).

رهبر انقلاب در این زمینه اشاره داشتند: «با پیدایش تمدن اسلامی، همه چیز اروپا در مقابل آن رنگ باخت؛ زیرا جوهره این تمدن بزرگ از مکتب اسلام بود. تمدن اسلامی با بکار گرفتن علم، کشف حقایق درجه یک عالم وجود و استخدام اندیشه‌ها، ذهنها و فعالیت‌های عظیم علمی توانست دانشگاه‌های بزرگ را در مقیاس جهانی ایجاد کند و دهها کشور ثروتمند و مقتدر و یک قدرت سیاسی بی‌نظیر را در طول تاریخ پدید آورد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران»، ۱۳۷۳/۶/۲۹). بنابراین جایگاه ارزش‌های متعالی و معنوی مبتنی بر دین و اخلاق متعالی در ایجاد و شکل‌گیری، حفظ و پایداری و ثبات تمدن‌ها غیرقابل انکار است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۷). مقام معظم رهبری به اثرات گذشته‌ی دین قبل از انقلاب اسلامی و تأثیرات آن بر ظهور گام اول تمدن نوین اسلامی می‌فرماید: «رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و

اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاها‌ی دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

تمدن نوین اسلامی پنج پایه دارد که مهم‌ترین مدخل آن ظهور انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی بر اساس ارزش‌ها و اصول دین مبین اسلام شکل گرفته است. در رابطه با شاخص‌های مؤلفه‌ی دین برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

توسل و عمل به قرآن

در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به‌عنوان تعیین‌کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به‌خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. خداوند متعال می‌فرماید: «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه‌چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل: ۸۹).

آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با انس با قرآن کریم به‌عنوان محور استحکام درونی جامعه‌ی مسلمانان اشاره کرده و می‌فرماید: «جامعه اسلامی جامعه ایست که به لحاظ درونی مستحکم است و این استحکام را از قرآن اخذ می‌کند. جامعه‌ی اسلامی با انس روزافزون با قرآن استحکام درونی پیدا می‌کند؛ و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد. باید در درون مستحکم بود؛ این استحکام درونی به برکت انس با قرآن حاصل می‌شود. انس با قرآن ایمان را تقویت می‌کند، توکل به خدا را زیاد می‌کند، اعتماد به وعده‌ی الهی را زیاد می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۳/۴/۸).

بر این اساس، برای ساختن تمدن نوین اسلامی می‌بایست سبک زندگی اسلامی را با بهره‌گیری و عمل به مفاهیم قرآنی طرح‌ریزی نمود. توجه به مفاهیم قرآنی در عرصه‌های مختلف زندگی و به کار بردن

آن‌ها می‌تواند راهگشای بشر در برون‌رفت از بیراهه‌هایی باشد که تمدن مادی غرب پیش روی انسان‌ها قرار داده است. این کتاب آسمانی، به اصول اخلاقی فردی و اجتماعی انسان نیز بشارت دارد؛ از این حیث ضرورت دارد که انسان با قرآن مأنوس باشد (خاری آرانی و همکار، ۱۳۹۴: ۷۴). در همین راستا، «معارف بلند اسلامی و قرآنی را از خود قرآن و از نهج‌البلاغه و از بعضی از روایات اهل‌بیت-روایات اصول کافی در بخش‌هایی - اخذ کنید. با این منابع، انس پیدا کنید» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از شعرای آئینی، ۱۳۹۰/۳/۲۵).

دوری از معنویات باعث گردیده است که علی‌رغم همه پیشرفت‌های علمی و صنعتی، عدم دستیابی به آرامش، جامعه غرب را در پی معنویات بکشاند. این نکته از روند رو به گسترش روی آوردن به اسلام در این جوامع به‌خوبی آشکار است (خاری آرانی و همکار، ۱۳۹۴: ۷۴).

گرایش به تقوا

تقوا دارای دو بعد است: بعد فردی و بعد اجتماعی. بعد فردی تقوا، یعنی انسان باید از حرام‌هایی اجتناب کند که در دین شریعت ممنوع هستند و انسان باید از آلوده شدن به آن‌ها خودداری کند. ولی تقوای اجتماعی که مهم‌ترین بعد تقوا نیز هست، چون برای اجتماع مربوط می‌شود و یک جمع را شامل می‌شود و اینجا دیگر بعد فردی تقوا مطرح نیست و اگر گناهی یا حرامی مرتکب شود بعد اجتماعی دارد و یک جامعه درگیر آن می‌شود. به همین دلیل این بعد تقوا مهم‌تر است. محور شکل‌گیری تمدن اسلامی بر روی تقوا قرار دارد. در تمدنی که قرار است بر مبانی اسلامی شکل بگیرد، باید بر ارزش‌های اسلامی پایبند بود و این پایبندی به ارزش‌های اسلامی با تقوا حاصل می‌شود. زمانی می‌توان انتظار داشت که اقتصاد جامعه بر اساس اصول و مبانی ارزشی اسلامی باشد که در مردم هر دو بعد تقوا یعنی فردی و اجتماعی فعال باشد. تمدن اسلامی تمدنی است که اقتصاد آن و سیاست آن و اجتماع آن اسلامی است و همه‌ی این‌ها ممکن نمی‌گردد مگر با تقوا. وقتی در جامعه‌ای رباخواری و رشوه‌خواری باشد و فرد در این باب تقوا نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که اقتصاد اسلامی که روبنای فرهنگ است، شکل بگیرد. پس ریشه و سرچشمه برای این فرآیند وجود تقواست. جامعه‌ای که در سیاست آن تقوا نباشد، در آن آسیب‌هایی شکل خواهد گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران در رابطه با تعریف تقوا به این صورت فرمودند:

«تقوا، یعنی بهوش بودن و دائم مراقب خود بودن. اگر از آدم غافل دهها گناه سر می‌زند و اصلاً حس نمی‌کند که گناه کرده است؛ آدم متقی، درست نقطه مقابل اوست. اندک گناهی هم که می‌کند، فوراً متذکر

می‌شود که گناه کرده است و به فکر جبران می‌افتد. به مجرد این که شیطان از کنارش عبور می‌کند و باد شیطان به او می‌خورد، فوراً حس می‌کند که شیطان زده شده و دچار اشتباه و غفلت گردیده است.» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸).

از دیدگاه ایشان، تقوا زمینه‌ساز آگاهی و تمایز بخش حق و باطل است. تقوا جامعه را سالم نگه می‌دارد، شرط شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی این است که جامعه سالم باشد وقتی جامعه‌ای که مریض است و از لحاظ مبانی تقوا مشکل دارد به چه صورتی می‌توان تمدن سازی را در آن پیاده کرد. پیغمبر اکرم (ص) جامعه‌ی مدینه و مکه را پاک‌سازی کرد و در مردم تقوا را خلق کرد و بعد به تمدن سازی روی آورد، چون تمدن سازی که مبنایش اسلامی است از جمعی حاصل می‌گردد که در آن‌ها تقوا باشد. وقتی تقوایی در پیش نباشد، دیگر تمدن اسلامی شکل نخواهد گرفت؛ چون تقوا یعنی پرهیزکاری و عمل کردن به اوامر الهی و تقی جامعه به اوامر الهی عمل نمی‌کند و از آن‌ها تخطی می‌کند، اصلاً نمی‌توان انتظار شکل‌گیری تمدن سازی نوین اسلامی را در آن‌ها متصور شد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به اخلاق و معنویت و ظهور تقوا در جمهوری اسلامی ایران در سایه‌ی انقلاب اسلامی اشاره کرده و در این باره فرمودند: «عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تظاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

اولین پایه تمدن نوین اسلامی زمانی شکل گرفت که اخلاق و معنویت و تقوای الهی در رأس آن قرار گرفت.

تربیت نیروهای مؤمن و انقلابی

از دیگر عناصر فوق‌العاده مؤثر در تدوین و تحقق تمدن اسلامی، وجود نیروهای کارآمدی است که در این مسیر بتوانند هرکدام با مسئولیت‌پذیری و به‌تناسب توانایی‌های خویش، عهده‌دار بخشی از ساختن بنای عظیم تمدن اسلامی شوند؛ این همان کاری بود که در صدر اسلام نیز به‌وسیله پیامبر انجام شد (ملایی، ۱۳۹۴: ۷۹). آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در این باره می‌فرماید:

«بیست و سه سال، زمان کوتاهی است. سیزده سال از این مدت هم با مبارزات غریبانه گذشت. در مکه اول با پنج نفر و ده نفر و پنجاه نفر شروع شد و جمعیت معدودی در زیر فشارهای طاقت‌فرسای دشمنان متعصب، کور و جاهل توانستند مقاومت کنند. ستون‌های مستحکمی ساخته شد برای این که جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی بر روی این ستون‌ها قرار بگیرد... یک حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله‌ی تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۹۰/۴/۹).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نقش جوانان در تحول‌آفرینی اشاره کرده و بینش انقلابی را عامل اساسی در ظهور این طرز تفکر می‌داند: «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به‌سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

مقام معظم رهبری جهت نیل جمهوری اسلامی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت خود، به بهره‌برداری از نیروهای تربیت‌شده‌ی مؤمن و انقلابی در جایگاه‌های مختلف نظام دینی اشاره کرده و عدم استفاده از این نیروی عظیم انسانی را آسیب برای جمهوری اسلامی می‌داند: «نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آن‌ها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند. مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و

کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمیتواند شد» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

از ارکان اساسی که زمینه‌های تربیت نیروی متعهد و انقلابی را فراهم می‌کند، وجود فضای انقلابی است؛ به عبارتی برای این که نیروی متعهد و انقلابی ماحصل و خروجی دانشگاه و آموزش و پرورش باشد، راهکارش این است که فضای حاکم بر آن‌ها روند انقلابی داشته باشد، تربیت نیروها دست کسانی باشد که دارای نگرش انقلابی هستند و برای ارزش‌های انقلابی پایبند هستند. در صورتی که فضا جور دیگری باشد؛ یعنی در فضای آموزش و پرورش آنچه ملاک باشد، صرفاً معدل و گرفتن مدرک باشد و در دانشگاه نیز وضعیت به همین شکل باشد، یعنی دانشجو دغدغه‌ی اصلیش معدل و مدرکی باشد که فردا بتواند کار درست و حسابی را به دست آورد و دغدغه‌ی دانشگاه و پدر و مادر هم همین باشد در اینجاست که یک محور مورد غفلت قرار می‌گیرد و آن تربیت است. زندگی انسان به تربیت اوست و تا زمانی که این محور به صورت درست اعمال نشود، زندگی انسان در فرآیند خودش دچار مشکل می‌شود؛ همان مشکلی که در حال حاضر نیز در جامعه‌ی ما وجود دارد. پس خانواده‌ها و مسئولین باید به فکر باشند و تا دیر نشده برای این روند چاره‌ای بیاندیشند، تا تربیت در مسیری که خواست ارزش‌های اسلامی است صورت بگیرد.

اهتمام نظری و عملی به امر به معروف و نهی از منکر

معروف در اصطلاح به کاری اطلاق می‌شود که حسن آن را عقل و یا شرع شناخته باشد و منکر اصطلاحاً عبارت از فعلی است که شرع و عقل آن را ناپسند بشمارند (شاهرخی، ۱۳۸۱: ۱۷۷). حیات بشری در طول تاریخ خود، مراحل مختلفی را گذرانده است. برخی بر مسند قدرت نشسته و گاه با ادعای خدایی یا نمایندگی او، مردم را به خدمت گمارده و جامعه را به فساد و تباهی کشانده‌اند. اما، به عکس، همیشه انسان‌های شاخص در بین مردم وجود داشته‌اند که از جانب خداوند متعال به پیامبری مبعوث شده‌اند تا حسب وظایفشان به نجات امت از ظلم ستمکاران و هدایت آن‌ها در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بپردازند (همان: ۱۷۹).

أمر به معروف و نهی از منکر، از آموزه‌های اصلی دین اسلام است. راه رستگاری هر نظام عقیدتی بر پایه انجام بایدها و ترک نبایدها است؛ از این رو، حوزه این اصل بسیار گسترده و شامل أمر به همه رفتارها و اخلاقیات پسندیده و نهی از رذایلی است که شارع مقدس اسلام آن را مردود می‌داند. آنجا که مسائل از حوزه‌ی شخصی بگذرد و بعد اجتماعی یابد، رعایت آن‌ها ضروری است (مشیدی و همکار، ۱۳۹۱: ۶۹). حیات هر جامعه به رشد معنویات و ارزش‌های والای انسانی آن بستگی دارد، و در جامعه‌ی اسلامی، علاوه بر این‌ها، به حساسیت مردم نسبت به اجرای احکام دینی و نظارت عمومی بر شیوه‌ی اداره‌ی جامعه توسط متولیان حکومت و مسئولان نیز بستگی دارد، به این مسئله‌ی مهم اجتماعی از بعد مکتب اسلام، أمر به معروف و نهی از منکر گفته می‌شود که از واجبات دینی است و بر هر مسلمان تکلیف شده است. در بررسی و تحلیل عوامل و انگیزه‌های قیام کربلا به منظور دستیابی به مهم‌ترین علت انگیزه به بنیادی‌ترین انگیزه و شاخص‌ترین آن، یعنی امر به معروف و نهی از منکر می‌رسیم، امام حسین (ع) در وصیت‌نامه‌ی خویش، بر این عامل تام و انگیزه‌ی والا تأکید می‌ورزد و هدف اصلی خود را از مخالفت با دستگاه خلافت مبتذل یزید، أمر به معروف و نهی از منکر و مقابله با ظلم و جور و فساد و خیانت و بدعت‌ها و انحراف‌هایی که از همه سو، جامعه‌ی اسلامی را به محاصره درآورده و مردم را از راه روشن و صائب دین به بیراهه‌های فسق و گمراهی رهنمون می‌کردند معرفی می‌نماید، أمر به معروف و نهی از منکر علت‌العلل قیام مقدس کربلاست و این به دلیل جایگاه رفیع این عنصر در حرکت تاریخی امام حسین (ع) و نقش بنیادین آن در به ثمر نشستن آن جهاد مقدس است (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۶). رهبری بر لزوم جاری شدن أمر به معروف و نهی از منکر تأکید دارند و می‌فرمایند: «همه مردم باید وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را برای خود قائل باشند و در محیط کسب، خانه، درس، دانشگاه و محیط کار و زندگی با زبان خوش و لحن مناسب عمل خلاف و گناه را به خاطی تذکر دهند و انجام این مهم در مرحله عمل و اقدام تنها با اجازه حکومت باید انجام شود.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹). در جایی دیگر آمده است: «لزوم اقامه و ترویج امر به معروف و نهی از منکر با استفاده از روش‌های صحیح و منطقی از جمله بهره گرفتن از کلام نافذ و مؤثر را مورد تأکید قرار دادند» (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۰/۸/۱۵). ایشان مصداق کامل أمر به معروف و نهی از منکر را ایجاد حکومت اسلامی می‌دانند:

«مصداق کامل و تمام امر به معروف، ایجاد جامعه و حکومت اسلامی و مصداق کامل نهی از منکر، نهی از یک جامعه طاغوتی است اما در صورت فقدان وسیع نگرانی، این حکم عظیم خداوند، در مسائل جزئی خلاصه خواهد شد» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲).

کلیت بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی بر روی مدار اُمر به معروف و نهی از منکر است. رهبری با بیانات خود مردم و مسئولین نظام را از برخی روندها نهی می‌کند و نسبت به برخی جبهه‌ها تشویق می‌کند. استحکام مبانی دینی با اُمر به معروف و نهی از منکر است که حاصل می‌شود. اگر اُمر به معروف باشد، جامعه در فرآیند سیر خود دچار آسیب نمی‌شود و در صورت شکل‌گیری آسیب نیز سریع از آسیب شکل گرفته به دلیل وجود پادزهر اُمر به معروف و نهی از منکر صیانت می‌شود تا وضعیت به ایده آل با مبانی اسلامی بازگردد. پس برای شکل‌گیری تمدن سازی نوین اسلامی که آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) اشاره فرمودند، از ارکان اساسی چه در تأسیس و چه در سیر فرآیندش وجود اُمر به معروف و نهی از منکر است.

نتیجه‌گیری

ظهور تمدن، از کارکردهای اصلی جوامع در عرصه‌ی نظام بین‌الملل است. به این سبب که با ظهور تمدن جوامع ماندگار خواهند شد و فرآیند زندگی طولانی به نسبت دیگر روندهای زندگی اجتماعی خواهند داشت. دین اسلام دین جامع و کاملی است، لکن برای ماندگاری در عرصه‌ی حکومتی نیازمند این راهبرد است که در روند شکل‌گیری تمدن دینی گام بردارد. اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی، در صدد طلوع تمدن دینی است، به دلیل این که محور قدرت مسلمانان در پرتو تمدن سازی امکان‌پذیر است، تمدنی که مبنا و اصول و پایه‌های آن نشأت گرفته از ارزش‌های الهی باشد و بر اساس الگوهای قرآنی ظهور پیدا کند. در عصر ما موضوعی توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد، تحت عنوان تمدن نوین اسلامی، تمدنی که قرآن به آن توجه داشته و در دوران پیامبر شکل گرفت، با استفاده از فقه پویا احیا شد. شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نیازمند شکل‌گیری مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که تمدن نوین اسلامی برای ظهور نیازمند آن‌هاست. برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی محتاج کنکاش و توصیف و تحلیل هستند. در این راهبرد پژوهشی نویسندگان تلاش کردند که با عنایت به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، علی‌الخصوص بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بعد فرهنگی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را موردبررسی قرار دهند. نگارندگان در صدد پاسخ به این سؤال بودند که با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده‌ی تمدن نوین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای کدامند و در روند شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی چه تأثیری دارند؟ در این زمینه به یافته‌های قابل‌توجهی نیز همچون اُمر به معروف، تقوا، شکل‌گیری جامعه‌ای منطبق بر اسلام، مسئولیت‌پذیری، رهایی از اندیشه‌های التقاطی و امثال این‌ها دست‌یافته‌اند. در این پژوهش تلاش

نگارندگان این بود که برای تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی تمدن نوین اسلامی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی استناد داشته باشد.

پیشنهادهای

۱. در اولویت قرار دادن عقلانیت و خردگرایی در تمامی امور
۲. اهتمام به دانش، علم و پژوهش در تمامی امور
۳. عملی سازی مباحث پیرامون تمدن سازی توسط دولت و مسئولان اجرایی کشور
۴. وفاق و همدلی مسئولان و مردم برای پیاده‌سازی تمدن نوین اسلامی
۵. تمدن سازی ایجاد نمی‌گردد مگر این که دولت و مردم با رویکرد جهادی، انقلابی و بسیج واران در این مسیر گام بگذارند و سعی در اصلاح کمبودها و نقایص ایجاد شده باشند.
۶. نگاه نقادانه به مسائل پیرامون حوزه‌ی تمدن نوین اسلامی به‌جای نگاه تخریبی، هدف جناح‌های مختلف از مطرح کردن پیشنهادهای باید دلسوزانه و به‌دوراز هرگونه جانبداری و تخریب باشد و از ارائه انتقادهایی که رنگ و بوی اصلاح در آنها نهفته نیست و صرفاً جنبه‌ی تخریبی بر آنها حاکم است جلوگیری به عمل آید.
۷. برگزاری اجلاس‌های مختلف و دعوت از متفکران، اندیشمندان و اساتید برتر داخلی و خارجی.
۸. اهتمام اساسی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و اصول و ارزش‌های نهفته در آن و بازشناسی و واکاوی قوانین نهفته در آن با برگزاری نشست‌های تخصصی و همایش‌های کاربردی.

فهرست منابع

الف. کتب و مقالات فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱)، فرهنگ و شبه فرهنگ، انتشارات یزدان.
۴. اشکواری، محمدجعفر و موسوی، سپیده زهرا (۱۳۹۴)، عوامل و زمینه‌های احیاء تمدن اسلامی در گفتار رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، همایش تمدن نوین اسلامی دانشگاه شاهد.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۹۰)، محیط امنیتی تمدن اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۶. اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۴)، «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵.
۷. باهنر، محمدجواد (۱۳۸۷)، مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران: نشر شاهد.
۸. بهشتی، احمد و پیام صدریه (۱۳۸۹)، «اخلاق سیاسی در نامه‌های نهج البلاغه»، فصلنامه نهج، شماره ۳۰.
۹. بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، نشریه کتاب نقد و نظر، شماره ۷۴.
۱۰. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴)، تمدن نوین اسلامی، همایش تمدن نوین اسلامی دانشگاه شاهد.
۱۰. رجبی دوانی، محمدحسین و خزائی، علی (۱۳۹۴)، تمدن نوین اسلامی مؤلفه‌ی اثرگذار بر استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران، اولین همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۱۱. زنگویی، اسدالله، نبی زاده بابکی، محمد، صالحی، محمدحسین (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی، موانع و چالش‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی، همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، تهران، نشر نی.
۱۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، مؤسسه نشر آثار علامه جعفری.
۱۴. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «مبانی دینی تمدن از منظر اسلام»، همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۱۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی ایران، قم، نشر معارف.
۱۶. حنفی، حسن (۱۳۷۹)، «اندیشه و تمدن اسلامی و مباحثی پیرامون آن»، نامه علوم انسانی، شماره ۲.
۱۷. حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۰)، مؤلفه‌های تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. خاری آرانی، مجید و علی‌اکبر زاده آرانی، زهرا (۱۳۹۴)، «مبانی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی»، همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۱۹. شاهرخی، سید علاءالدین (۱۳۸۱)، «امام‌المتقین و تاریخ تشیع»، مجله تحقیقات اسلامی، شماره ۱.
۲۰. شجاعی، هادی (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در برسازی تمدن نوین اسلامی»، همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۲۱. شریعتی تبار، مهدی (۱۳۹۴)، «نگاهی به تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم»، نشریه مشکوه، شماره ۱۲۸.
۲۲. شریعتی، علی (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات قلم.

۲۳. فوزی، یحیی، صنم زاده، محمود رضا (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۹.
۲۴. فرمپینی فراهانی، محسن (۱۳۹۴)، الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی، همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۲۵. قربانی، سعید (۱۳۹۴)، «آموزه‌های نهضت امام حسین(ع) و انقلاب اسلامی ایران»، همایش شناخت خلاق و آداب حسینی، تایباد.
۲۶. کمالی، علی اکبر (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی و بازیابی تمدن اسلامی»، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۹.
۲۷. لیتتون، رالف (۱۳۳۷) سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، نشر دانش.
۲۸. مشیدی، جلیل؛ اصغری، یوسف (۱۳۹۱)، «أمر به معروف و نهی از منکر از منظر عرفانی»، نشریه ادبیات عرفانی، شماره ۲۹.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، نشر صدرا.
۳۰. معین، محمد (۱۳۹۴)، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر.
۳۱. ملایی، حسن (۱۳۹۴)، «جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» پژوهش‌های مهدوی، شماره ۱۲.
۳۲. وطن‌دوست، رضا (۱۳۸۶)، «نگاهی به امنیت در آموزه‌های اسلامی» فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۲۵.
۳۳. وطن‌دوست، رضا (۱۳۹۳)، «مسئولیت‌پذیری در نظام سیاسی اسلام»، نشریه مشکوه، شماره ۱۲۵.
۳۴. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۸)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه.

ب. کتب و مقالات انگلیسی

- Mclean, Iain (2005): The concise oxford Dictionary of Politics, Oxford University.
- Tylor, Edward (1958): Primitive Culture, New York: Harper & Row.

ج. سایت:

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قابل دسترسی در:
<https://www.leader.ir/fa/content/22734>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸)، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، قابل دسترسی در:
<https://www.leader.ir/fa/speech/5672>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳)، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، قابل دسترسی در:
<https://www.leader.ir/fa/speech/2664>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، قابل دسترسی در:
<https://www.leader.ir/fa/speech/8267>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، قابل دسترسی در:
<https://www.leader.ir/fa/speech/11035>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱)، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/9985>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، متن کامل خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/9093>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴)، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان بسیجی، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/2741>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵)، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم شاهرود، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/2969>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹)، بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی دانش آموزان و مسئولان امور

تربیتی سراسر کشور، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/2088>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۳)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران» ،

قابل دسترسی در: <https://www.leader.ir/fa/speech/1042>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳)، بیانات در محفل انس با قرآن، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/12015>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، بیانات در نخستین اجلاس بیداری اسلامی، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/8582>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵)، بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/1375>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، بیانات در دیدار جمعی از شعرای آئینی، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/8176>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰)، سخنرانی در دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/589>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸)، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/239>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶)، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم یزد، قابل دسترسی در:

<https://www.leader.ir/fa/speech/3134>